

## به انگیزه و گرامیداشت ۸ مارس

مبارزات زنان در تقابل با نئولیبرالیسم و بنیادگرایی

دردو دهه گذشته بویژه در سالهای اخیر مبارزات زنان فمینیست در مسیری پر پیچ و خم گام نهاده است. حضور فمینیست های لیبرال در صحنه مبارزات زنان در ایران و جهان و عدم انسجام فمینیست های سوسیالیست و مارکسیست به یک سلسله آشفته فکری در مسایل زنان دامن زده است. همزمان با این تحولات ما شاهد ظهور و تکامل دو پارادایم نظری در سرتاسر جهان می باشیم. این دو نظریه الزاما نه در تقابل بلکه در امتداد یکدیگر در حرکتند و مستقیما موجب وخامت اوضاع زنان در کشورهای حاشیه ایی و کشورهای صنعتی گشته است. بنابراین شناخت و پاسخگویی به این دو پارادایم نظری یکی از گره گاههای اصلی مبارزات زنان میباشد که این نوشتار مختصرا بدان می پردازد.

نگاهی به کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای پیرامونی این نظریه را به حقیقت مبدل می سازد که یکی از مهمترین وجه اشتراک این دو نظرگاه (کاپیتالیسم جهانی شده، امپریالیسم فرهنگی و بنیادگرایی فاشیستی)، حضور گسترده آنان در صحنه جهانی در منتهالیه نمادین خشونت و زور می باشد. خشونت بنیادگرایی و زن ستیزی آن در کنار نژاد پرستی- ملی گرایانه کاپیتالیسم جهانی شده به همراه فرهنگ امپریالیستی هر روز بیش از پیش جانمایه زنان زحمتکش را در جهان به تصرف در می آورد. بنیاد گرایی، نئولیبرالیسم جهانی شده و تهاجم ملیتاریستی دو روی سکه پدر سالاری است که هدف آن کنترل زنان و دیگر اقشار تحت ستم است.

در آن سوی جهان اگر انکار آموزش و پرورش برای زنان، سنگسار، پاشیدن اسید بر صورت زنان، خشونت و سوزاندن زنان در مراسم ساتی (SATI) نمونه هایی از این نوع تهاجم بنیاد گرایانه بر علیه زنان می باشد در این سوی جهان مبارزات زنان فمینیست برای حفظ حق سقط جنین در ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای غربی نمونه ای از مبارزه بر علیه بنیادگرایی می باشد. خشونتی جهانی شده با چهره هایی کمابیش متفاوت اما دارای بار و مضمونی یکسان.

یکی از شاخص های خشونت بر زنان در دهه معاصر افزایش جنگها و کشمکش ها بین ملیت ها بوده است که این درگیری ها نه تنها کاهش نیافته بلکه شاهد حدت یافتن آن در سراسر جهان می باشیم. در این جا است که حضور نیروهای لیبرال چه در جنبش زنان و در جنبش چپ ضربات غیر قابل جبرانی را نه تنها برای زنان بلکه برای دیگر اقشار جامعه به ارمغان آورده است. حضور زنان لیبرال (فمینیستهای اسلامی، آن گونه که خود را می خوانند) در جنبش زنان ایران باری دیگر ایدئولوژی استثمار و تحمیق زنان را تعمیق بخشیده و با مشروعیت بخشیدن به ایدئولوژی غالب مبارزات زنان را به بیراهه می کشاند. اختراع نوعی دیگر از حقوق بشر اسلامی که در آن آزادی انسانها به رسمیت شناخته خواهد شد! به بیانی دیگر الحاق نوع جدیدی از ایدئولوژی حاکم که استثمار زنان زحمتکش جامعه را با روبنایی رنگین تر مشروعیت می بخشد. در این کارزار کسب هویت جهانی نئولیبرالیسم، لیبرالیسم یدک کش آن با گونه هایی رنگین از تفاخر تلاش دارد تا دستاردهای زنان زحمتکش ایران را از آن خود سازد. دیروز ختنه زنان در آفریقا و آسیا با صرف نسبیت فرهنگی در ضیافت های بین المللی در بسته های کادو شده زیبای و بترین به فراموشی سپرده می شد و امروز وظیفه فراموش سازی علل وجودی کودکان خیابانی، فحشا و فروش بدن زنان و کودکان با جایزه زیبای صلح

نوبل با زرق و برق به رسانه های امپریالیستی سپرده شده است. شاهدیم که هزاران هزار زن در هر جنگ با اذنان کبود شده و پیکرهای خمیده بار مسئولیت حفظ ناموس جامعه و ملت را بر عهده داشته اند. مسئولیتی که جنگهای پدر سالارانه به ارمغان می آورند. در سال ۱۹۹۲ بیش از ۲۰ هزار زن و دختران کم سن در بالکان، و در رواندا ۱۶ هزار زن و دختران کم سن مورد تجاوز قرار گرفتند. (۱) نتیجتاً ملیتاریزه شدن جوامع خشونت و وحشی گری را به یک نورم جامعه مبدل ساخته است. فیلمهای جنگی، اسباب بازیهای خشونت آفرین کودکان، ویدیوهای سرشار از خشونت به همراه سریالهای تلویزیونی فرهنگ جامعه را به یک فرهنگ زن ستیز ملیتاریزه - شوونیست مبدل کرده است. برای زنان سراسر جهان این به معنی افزایش خشونت در خانواده و جامعه است. در سال ۲۰۰۱ صدور اسلحه در سطح جهان دارای ارزشی بیش از ۲.۵۴ میلیارد بوده است که آمریکا ۵۰٪ آن را تحت کنترل و انگلستان و فرانسه ۳۰٪، بقیه کشورها مانند روسیه، چین، آلمان، اسرائیل و آفریقای جنوبی کنترل ما بقی را در دست داشته اند. (۲) حضور و تلاش بر کنترل وسیع سلاح در سراسر جهان توسط این کشورها علل بروز نسل کشی، جنگ و کشتار بوده است. اگر خواستار اتمام کشتار و نسل کشی و ترور می باشیم در ابتدا می بایست تاسیسات نظامی و اعجوبه پلیس و دستگاه شکنجه آن به کلی منسوخ گردد. آیا از داعیان حقوق بشر حتی ضعیفترین اقدام در جهت منع و یا کاهش تاسیسات نظامی را دیده ایم؟! یکی از دستاویزهای اعمال خشونت در کشورهای جنوب (حاشیه ای) حفظ امنیت ملی و فرهنگ مذهبی می باشد. دستاویزی که سرکوب گرایان بنیادگرا به بهانه آن حکم کشتار و سرکوب زنان و دیگر اقشار تحت سلطه را صادر مینمایند. جنبش فمینیستی به درستی خشونت، کشتار تخریب، ویرانی و جنگ را ادامه خشونت روزانه در خانواده، اجتماع و کشور می داند و سازمانهای مستقل زنان با اقدام عملی برای رفع ضایعات زیر می توانند زمینه های گسترده همکاری و اتحاد سراسری زنان را فراهم سازند. مبارزه و مقابله با خشونت خانوادگی و فقر مزمن و در آن راستا بسیج زنان با اقدامات عملی برای رفع ضایعاتی که زندگی روزمره زنان را آماج تاثیرات خود می سازد؛ این اقدامات عملی عبارتند از:

- مبارزه با خشونت خانوادگی و فقر مزمن که که منجر به فروش عضو خانواده و یا اعضای بدن می گردد.
- مقابله با فرهنگ امپریالیستی به عنوان نمود بارز تهاجم در حوزه خانواده و جامعه که بانی و حامی خشونت بوده و از هر گونه کشمکش و جنگ و ستیز حمایت می نماید. ضایعه از دست دادن فرزندان به فرهنگ امپریالیستی و بنیادگرا که حامی خشونت و حمایت از هر گونه کشمکش و ستیز و جنگ می باشند
- مقابله عملی با خطر از دست دادن شغل، خانه، کاشانه و محل زیست همچنین ترس مزمن از خطر آوارگی
- سازماندهی زنان برای مبارزه علیه وحشت مستمر از وادار شدن به فاحشگی برای معیشت
- افشای سیاست نامریی ساختن همجنس گرایی و تجاوز به حقوق همجنس گرایان در جوامع homophobic و پدر سالار
- عدم پذیرش ایدئولوژی جامعه ایی که در آن تجاوز و آزار جنسی، کودک کشی دختران، سوزاندن زنان بیوه و شکار ساحره از حقایق زندگی روزمره است
- مبارزه با هجوم تبلیغاتی و خاموش سازی صدای اعتراض و شکایت زنان
- مقابله با سیستم تیزه شدن خشونت در جهان که در تکامل خود به سیستماتیزه شدن جنگهای گوناگون منتهی گشته و در این تهاجم کاپیتالیزم جهانی شده به سر کردگی آمریکا نقش کلیدی ایفا نموده است.

ایالات متحد آمریکا هنوز تنها کشوری است که در سطح جهان شنیع ترین و مخوف ترین سلاحهای کشتار جمعی را مورد استفاده قرار داده و میدهد: بمب های فرو ریخته بر هیروشیما و ناکازاکی با آنکه خاتمه جنگ به نفع متفقین کاملاً مشهود بود.

آمریکا با بمباران عراق به کشتار بیشمار زنان، کودکان و مردان دست زد و منابع غذایی این کشور را به نابودی کشاند. همچنین بمباران بلگراد که هزاران قربانی بر جای نهاد. در سالهای ۱۹۸۰ در سالوادر با حمایت و تربیت گروه های شبه نظامی به نام و برای مبارزه با کمونیسم در عملیات کندور (Condor) که به کشتار، شکنجه، ناپدید شدن هزاران هزار مردم در آمریکای مرکزی و آمریکای لاتین انجامید. حمایت و پشتیبانی از رژیمهای مستبد در خاورمیانه و آسیای خاور دور، شاه ایران، سوهارتو در اندونزی، خاندان آل سعود، شکل گیری و صعود طالبان توسط CIA تماماً از دستاوردهای چندین دهه ایالات متحده آمریکا می باشد؛ تاریخی طولانی از تروریسم دولتی بر علیه زنان و اکثریت مردم جهان.

در ادامه سیاستهای ذکر شده:

در خاور میانه حمایت و کمکهای مالی نظامی ایالات متحد آمریکا از سیاستهای دولت اسرائیل در ویرانیهای دهکده ها، خرابی خانه ها، ویرانی مزارع زیتون، ساختن جاده ها و گسترش مساکن اسرائیلی در مناطق عرب نشین، ممنوعیت مسافرت، ترور رهبران سیاسی فلسطینی، تداوم تجاوز به حقوق بشر فلسطینیها و شهروند های عرب، که در برانگیختن ناامیدی و تداوم بمب گذاریهای انتحاری انجامیده است همه و همه از دستاوردهای ایالات متحده آمریکابوده است. بدین وسیله کاپیتالیسم جهانی شده با عمیقتر کردن و حمایت از اشغال غیر قانونی به خصومت در منطقه دامن زده که این عملکرد موجب رشد هر چه بیشتر بنیاد گرای در منطقه گشته و به طور مستقیم به وخامت اوضاع زنان هر دو قوم انجامیده است.

ایالات متحد آمریکا از کشورهای نادری است که از امضای میثاق حقوق بشر برای رفع هر گونه تبعیض بر علیه زنان خودداری نموده است.

آمریکا یکی از مخالفین سر سخت دادگاه های جنایی بین المللی و معاهده ها تحریم مین و سلاحهای میکروبی است؛ همچنین یکی از مخالفان اصلی منع داد و ستد اسلحه های غیر قانونی در جهان می باشد.

با آنکه تحقیقات نشان داده است بیشترین نفع آب و هوایی از پروتکل «کیوتو» را آمریکا، کانادا و روسیه نصیب خواهند شد و کمترین منفعت آب و هوایی از آن آفریقا است اما آمریکا تنها کشوری است که این پروتکل را امضا نکرده است. طبق آمار اعلام شده از طرف سازمان ملل و بانک جهانی، دو دهه جهانی شدن به گسترش و عمیقتر شدن فاصله بین فقیر و غنی انجامیده است. نیولیبرالیسم آمریکا و اروپا به همراه نخبگان و یدک کشان پرچم لیبرالیسم جهانی در جنوب، سود سرشار حاصله از عمیقتر شدن خط فقر و ثروت را از آن خود ساخته اند. در کشورهای آسیایی در آفریقا و آمریکای لاتین کارگران و بویژه زنان کارگر در موسسات غیر قانونی و شرکتهای تجاری بین المللی خصوصاً آمریکایی به سان بردگانی به کار گماشته شده اند و از هر گونه حقوق شاغلین محرومند. (۳)

کشورهای G-8 که آمریکا بزرگترین شریک آن می باشد تصمیم گیریهای صندوق پول و بانک جهانی را به عهده داشته اند که تصمیمات و تنظیم ساختمانی وامها و شرایط باز پرداخت بدهیهای در حفظ عقب ماندگی کشورهای جنوب نقش به سزایی داشته است. این لیست ادامه دارد. یعنی اشتراک منافع بنیادگرایی و کاپیتالیسم جهانی شده تحت هژمونی آمریکا و ضرورت مقابله جدی جنبش سراسری زنان با این سیاستهای ضد بشری.

در خاتمه طرح دو نکته ضروری است: نظر به اینکه طراحی آغازین جنگ و کشمکش در ابتدا «در مخیله مردان اتفاق میافتد» و زنان و کودکان یکی از عمده ترین قربانیان این کشمکش ها می باشند اما این بدان مفهوم نیست که زنان به طور غریزی دارای خصوصیت صلح دوستی و آشتی پذیری بوده و مردان به جنگجویی و جنگ طلبی گرایش داشته و خواهند داشت؛ چرا که این استدلال جاده را برای نوعی برداشت غریزی و رفتاری باز کرده و زنان را به یافتن باقی ماندگان تاریخی الهه های در زیر آوار هدایت می نماید. بعلاوه دینامیزم جنبش زنان را تحت الشعاع قرار داده و به انحراف این جنبش از مسیر اصلی خود کمک مینماید.

تجربیات جنگهای تاریخ بشری و کشمکش های قومی همواره ایده ثولوژی «صحیح النسب» و یا «اصلاح نژادی» را با خود به یکدک می کشیده است بنابراین جبر گرایی ژنتیکی یکی از خطرناک ترین شاخه هایی است که می تواند حذف انسانهایی که در نورم بیولوژیکی نمی گنجد را در آینده رقم زند. به قول مارکس «مردان و (زنان) تاریخ خود را می سازند اما این ساختمان برای خشنودی آنان نمی باشد، آنان تاریخ خود را بر اساس رویدادهای انتخابی خلق نمی نمایند بلکه آن را بر اساس رویدادهایی که مستقیماً با آن رویاروی شده واز گذشته به آنان منتقل می شود خلق می نمایند» (۴). نقشی که در پروسه تاریخی به زنان داده شده و منجر به منکوب زنان در دوره های خاص تاریخی شده است، تنها با کسب حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی و با بر انداختن کاپیتالیسم امکان پذیر است. همانگونه که لغو امتیاز برتری نژادی، به اضمحلال نژاد پرستی نیانجامید؛ کسب حقوق برابر برای زنان در کشورهای شمال و جنوب اگر چه مواردی است که باید برای تحصیل آن مبارزه نمود اما به دست آوردن این امتیازات برابری کامل بین زن و مرد تضمین نخواهد کرد و تداوم هر امتیازی با نوسانات بازار، سود و منافع سرمایه داران عجین شده است. تنها راه کسب حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان با از میان انداختن کاپیتالیسم امکان پذیر است.

سولماز مرادی

۷ مارس ۲۰۰۴

- 1) Boix Montserrat Boix, **Women's Networks: Islamist' Violence and Terror** Susan Hoawthorne and Bronwyn, Winter 2002, p. 165-167.
- 2) Rosalind P. Petchesky, **Phantom Tower Reflection on the Battle Between Global Capitalism and Fundemantalist terrorism,** Presentation at Hunter College Political Science Depatrment Teach-in, 25 September 2001.
- 3)Enole Cynthia, **Masculinity as a Foreign Polivy Issue,** Foreign Policy in Focus Brief, 5:36, October 2000.
- 4) Karl Marx, **A Contribution to the Critique of Political Economy** (New York: International Publishers, 1970), p. 817.